

مباحث خارج اصول فقہ

استاد معظم

حضرت آیت اللہ حسینے گرگانے مطالعہ العالی

«اجتماع امر و نہی»

شمارہ: ۱۱

آیا امکان دارد که صلاة با غضب در خارج متحد شود یا خیر؟

مرحوم محقق نائینی رحمته الله می‌فرماید: اتحاد آن دو امکان ندارد، به دلیل اینکه صلاة از مقوله‌ای و غضب از مقوله دیگری می‌باشد و اتحاد دو مقوله و اندراج آن دو تحت مقوله واحد هم محال است.

مرحوم محقق خوئی رحمته الله می‌فرماید: این فرمایش حضرت استاد رحمته الله تمام نیست؛ چون صلاة گرچه مرکب از مقولات متعدده است، مگر اینکه غضب از مقولات نمی‌باشد؛ چون که غضب مفهومی انتزاعی است و از مقولات متعدده انتزاع شده، با توجه به این گفتار اتحاد آن دو امکان دارد.

توضیح: دو دعوی در اینجا وجود دارد:

۱. صلاة مرکب می‌باشد از مقولات متعدده، و غضب مقوله نیست.

۲. در خارج اتحاد بین صلاة و غضب امکان دارد.

اما ادعای اول: صلاة دارای حقیقت مستقله و خود مقوله‌ای مستقل در قبال سایر مقولات نیست، بلکه مرکب از مقولات عدیده هست: کیف مسموع (قرائت - اذکار) کیف نفسانی (قصد قربت و نیت) مقوله وضع (هیئت راکع - ساجد و قائم و قاعد) و از ناحیه دیگر در منطق ثابت شده که مقولات اجناس عالیه‌اند و متباین‌اند به تمام ذات و ذاتیاتشان، بنابراین امکان ندارد شیئی که مرکب از مقولات مذکوره است خود برآسه مقوله باشد؛ زیرا وحدت در مقوله شرط می‌باشد، بدیهی است که مرکب وحدت ندارد و استحاله اتحاد مقوله‌ای با مقوله دیگر ضروری است، پس صلاة دارای وحدت حقیقی نیست بلکه وحدتش اعتباری می‌باشد، لذا در خارج ماعدای مقولات مذکوره‌ای که از آنها تألیف شده مطابقی ندارد.

أما غصب: چون بر مقولات متعدده ممکن الانطباق است، بنابراین امکان ندارد که از ماهیات حقیقیه باشد؛ چون اتحاد مقولات متعدده، لااقل دو مقوله، امکان ندارد و تحت مقوله واحده هم مندرج نمی شوند، پس اگر غصب خود از مقولات باشد محال است که با مقوله دیگری متحد شود، و بر مقوله دیگر هم قابل انطباق نمی باشد، برای اینکه لازم می آید شیء واحد دارای دو فصل شود در عرض واحد و مندرج شود تحت دو ماهیت نوعیه قرار گیرد و این هم محال است، پس لامحاله غصب از مفاهیم انتزاعی است که گاهی از کون و بودن در ارض مغصوبه‌ای که از مقوله این است انتزاع شده و گاهی از خوردن مال غیر یا پوشیدن لباس غیر از مقولات دیگرند انتزاع شده است.

نتیجه: امکان ندارد و معقول نیست که غصب جامع ماهوی برای این مقولات باشد، پس جامع انتزاعی برای مقولات متعدده نیست.

غصب از مقولات مذکوره انتزاع نشده گرچه چاره‌ای نیست که ملتزم شویم به اینکه از مقولات مذکوره انتزاع شده است. می دانید که امکان ندارد مفهوم واحد (غصب) از مقولات متعدده و ماهیات مختلفه انتزاع شود، الا اینکه غصب از این مقولات به آنفلسا انتزاع نشده، بلکه انتزاعش از اعتبار عدم اذن مالک در تصرف لباس، مکان و خوردن می باشد؛ چون بدیهی است که عدم اذن مالک در حقیقت منشأ انتزاع غصب است نه تصرف بما هو تصرف.

و اما دعوی دوم: عنوان انتزاعی گاهی با عنوان ذاتی مقولی متحد می شود به این بیان که منشأ انتزاعش در خارج همان عنوان ذاتی است نه چیز دیگری اما در مقام بحث، چون عنوان غصب انتزاعی است مانعی از اتحادش در خارج با صلاة نیست.

پس از بیان و توضیح مطالب یاد شده به سراغ خارج می رویم که آیا در خارج صلاة با غصب اتحاد پیدا می کنند یا خیر؟ و به بیان دیگر غصب با مقولاتی که نماز از آنها تشکیل شده متحد می شوند یا خیر؟

بنابر مبنایی که نیت و قصد قربت در متعلق امر به صلاة مأخوذ است و به اعتبار و حکم عقل نیست، جای شک و شبهه‌ای نیست که کیف نفسانی به دید عرف تصرف در مال غیر نیست.

بنابراین منشأ برای انتزاع عنوان غضب در خارج نمی‌باشد و مصداق غضب نیست و همینطور تکبیرة الإحرام که از مقوله کیف مسموع است، این بلا شبهه در خارج با غضب متحد نمی‌باشد؛ چون بر تکلم در خانه مغصوبه، تصرف در مال غیر صدق نمی‌کند.

اشکال: تکلم گرچه تصرف در دار مغصوبه نیست، اما تصرف در فضاء است، چون دگرگونی هواء و فضاء می‌شود. مفروض این است که فضاء ملک غیر است همانند خود خانه، پس همچنان که تصرف در خانه جایز نیست و مصداق غضب است، تصرف در فضاء هم غضب است و جایز نمی‌باشد.

جواب: بلی فضاء را هم اگر ملک غیر بدانیم و تصرف در آن را هم بدون اذن جایز ندانیم، تکلم از دید عرف چنان که تصرف در دار نیست، تصرف در فضاء هم نمی‌باشد؛ چون بدیهی است که از دیدگاه عرف بر آن تصرف در ملک غیر صادق نیست، اگرچه بگوییم از نظر عقلی تصرف صادق است. معلوم است که ادله داله بر حرمت تصرف در مال غیر منصرف است از تصرفی که از دیدگاه عرف بر آن انطباق دارد، پس ادله شامل ریزکاری عقلی نمی‌شود؛ چون ادله ناظرند به آنچه که از منظر عرف تصرف در ملک غیر باشد، مانند مسح کردن دیوار غیر، که از دید عرف تصرف نیست گرچه از نظر عقل تصرف صادق باشد، پس ادله شامل این گونه تصرفات نمی‌شوند، و لذا محکوم به حرمت هم نیستند اگرچه به حکم عقل تصرف صادق باشد.

غضب در باب نماز منتزع است از ماهیتی که مابین می‌باشد با ماهیت تکلم در خارج؛ چون غضب در محل بحث ما منتزع از کون در دار غضبی است و این هم از مقوله این است و تکلم از مقوله کیف مسموع، بنابراین اتحادشان در خارج محال است و تحت مقوله واحده هم جمع نمی‌شوند.

اما رکوع و سجود و قیام و قعود نیز در خارج متحد با غضب نمی‌باشند، دلیلش این است که این افعال از مقوله وضع هستند؛ چون اینها هیئاتی هستند که حاصل می‌شوند از نسبت بعضی اعضای مصلی با بعضی دیگر از اعضایش و نسبت مجموع به خارج.

مقوله وضع عبارت است از هیئت حاصله برای جسم از نسبت بعض اجزای جسم به بعض دیگر و نسبت مجموع به خارج، و این هیئات حقایق آن امورند که در نماز معتبر می‌باشند.

روشن است که این هیئات به نفسها مصداق غصب و در خارج متحد با آن و منشأ برای انتزاعش نیستند؛ چون بر این هیئات تصرف صادق نیست بلکه محال است که این هیئات با غصب متحد شوند؛ چون غصب در این مقام منتزعه از کون مصلی در ارض مغصوبه می‌باشد و این خود از مقوله این است و آن هیئات از مقوله وضع، پس اتحاد دو مقوله در خارج محال است.

پس هیئت رکوع و سجود و جلوس فی نفسها با قطع نظر از مقدماتشان (هوی - نهوض) مصداق برای غصب و منشأ هم برای انتزاعش نمی‌باشند.

اشکال: امکان دارد خیال شود که رکوع، سجود و جلوس از مقوله فعل باشند و از مقوله وضع نیستند، پس لامحاله مصداق برای غصب می‌باشند؛ چون تصرف در مال غیر بدون اذن مالک آن است.

جواب: خیالی است بطور جدّ باطل؛ چون نشأت گرفته از خلط بین اینکه از قبیل فعل صادر به اراده و اختیار است و آنچه که از مقوله فعل است و یکی از مقولات نه گانه عرضی می‌باشد، هیئات مذکوره، اگرچه از افعال اختیاری صادر به اراده و اختیارند، لکن مع ذلک از مقوله فعل نمی‌باشند، و منافات هم ندارد اینکه شیئی از قبیل فعل صادر به اختیار باشد و از مقوله فعل هم نباشد؛ چون بین دو امر فرق است؛ چون ملاک اینکه فعل صادره، فعل اختیاری باشد این است که آن فعل و آن شیء از انسان به اراده و اختیار صادر شده است، و ملاک بودن شیء از مقوله فعل این است که حصولش در تأثیر به طور تدریج باشد؛ مانند تسخینِ مُسَخَّن، مادامی که گرم می‌کند.

روشن است که دو ملاک مذکور، اجنبی از یکدیگرند و هیچ ارتباطی با هم ندارند، لذا در بودن شیء از مقوله فعل معتبر نیست که از افعال اختیاری باشد.

نتیجه این شد که صلاة با غصب در خارج متحد نمی‌شود، نه از ناحیه نیت و نه از ناحیه تکبیر و قرائت و نه هم از ناحیه رکوع و سجود و قعود.